

## خواب ابدی در آلب

یادی از مهدی عמידی، کوهنورد مشهوری که ۲۲مهر سال ۱۳۹۱حین صعود به قله های مون بلان در دل رشته کوه های آلب جانش را جا گذاشت



آزاده چشمه سنگی نویسنده

## از هشتمین قله به هشتمین خورشید

دوربین سلفی گوشی اش را روشن کرده. آفتاب ابروهایش را درهم کشیده. محاسنش زیر نور خورشید می درخشد. برفی توی نگاهش دارد که آدم را به تماشای ادامه ویدئو ترغیب می کند. پلان، پلان کوتاهی است. می گوید: «ما همه اینجا منتظریم ببینیم شرایط جوی چی می شه.» از این «ما» فقط مهدی را می شود توی تصویر دید. او خودش به تنهایی یک تیم است. نفس نفس می زند اما روبه راه است: «امروز میریم کمپ ۴. ارتفاع ۷ هزار و ۵۰۰ متر. فردا هم اگر خدا بخواد میریم سمت قله.» پلان بعدی همه چیز تغییر کرده. روی محاسنش تکه های یخ قندیل بسته و صورتش سرخ تر از پلان قبلی است. خبری از آن آفتاب درخشان نیست. می گوید: «ساعت ۶ صبحه. اگه بتونیم ساعت ۱۲ یا ۲، روی قله باشیم به امید خدا...» این «به امید خدا» را چنان محکم و جاناته به زبان جاری می کند که مخاطب دلش قرص می شود. همه چیز طبق برنامه پیش خواهد رفت. پلان آخر. همانی می شود که آدم دلش می خواهد. عینک بزرگ کوهنوردی روی چشم هایش. سد نگاه مشتاق اوست. اما با اینکه حجم قندیل ها روی صورتش بیشتر از قبل شده، صدایش رساتر است. انگار با اینکه ارتفاع بیشتری گرفته. اما ریه هایش هوای بیشتری به خود

می کشد. احساس شعف و شکر از تانبه به تانبه این تصاویر کوتاه می بارد. می گوید: «روی قله ماناسلو با ارتفاع ۸ هزار و ۱۶۳ متر. هشتمین کوه بلند دنیا به مناسبت سال ۱۳۸۸. سال امام رضا...» سال ثامن الائمه... هشتمین. این صعود رو تقدیم می کنم به همه کوهنوردان ایران به خصوص کوهنوردان خراسان و همه خراسانی ها.» بعد پرچم سه رنگ ایران را به صورت می کشد. تمام پلان ها سرجم یک ویدئوی یک دقیقه ای بیشتر نیست. اما توی همان شصت ثانیه، آدم سردش می شود. صورتش می سوزد. نفسش تنگ می شود. سرما به مغز استخوانش رسوخ می کند و دست آخر به وجد می آید و سبک می شود. اما کسی نمی داند پشت تک تک آن نفس نفس زدن ها. چه مرارت هایی پنهان شده. آدم باید چند سال. چند بار چند قله چند هزار متری را فتح کرده باشد تا بفهمد شوق تقدیم این صعود. چه لذتی دارد. او چیزی در ارتفاع درک کرده. که در کوهپایه ها پیدا نمی شود.

## باید برگردی. زنده و سالم

دائولوگیری: عنوان قله ای در رشته کوه های هیمالیاست. بیشتر از ۸ هزار متر ارتفاع دارد. دور تا دورش، تا چشم کار می کند یخچال و آبشار یخی است. او قبلا هم به مصاف چنین ارتفاعاتی رفته اما این یکی فرق می کند. به دشواری و خطرناک بودن مسیر شهرت دارد. بالای پنجاه نفر کشته داده و خیلی ها از میانه راه برگشته اند. اما مهدی عמידی، پلنگ برفی، کوهستان است.

راه هر چه دشوارتر باشد، مصمم ترش می کند. همین حالا که قدم در مسیر قله گذاشته، او را به عنوان «نخستین فاتح ایرانی اورست بدون کپسول اکسیژن» می شناسند. حالا آمده نیال تا بار دیگر اراده اش را به خودش اثبات کند. فروردین است. فروردین ۱۳۹۱. دوتفر ایرانی دیگر به نام های نیما افزایی و مرتضی رضائی از ایران و هفت ایتالیایی و دو آمریکایی و چهار نفر هم از جمهوری چک آمده اند. نیما و مرتضی. اما از میانه راه مصدوم شدند و برگشتند. مهدی مانده و باقی تیم. ۴۵ روز را توی کمپ اصلی از شدت برف و طوفان پناه گرفته بودند و حالا ۳۶ ساعت است مدام با ضربه های مکرر به سنگ ها دارد کاری می کند دست و پایش یخ نبندد. این قله، سرسخت است. اما مهدی از او بیشتر. گام هایش را محکم و سنگین برمی دارد و هر لحظه به حضور مهدی اعتمادی فر فکر می کند. به قله نگاه می کند و برای هرازمین بار با خودش تکرار می کند: «باید برگردی. زنده و سالم.» او به خانواده اش قول داده. مهدی زیر قولش نمی زند. ساعتی بعد، فتح دائولوگیری هم می رود توی فهرست افتخاراتش.

## امانتی که به کوهستان برگشت

روزهای اولی که کوهنوری را شروع کرده بود، پدر و مادرش می گفتند کوه های مشهد را نرو. دماوند می رفت می گفتند خارج از ایران نرو. پاکستان و افغانستان می رفت می گفتند دورتر نرو. این آخری ها اما فقط می گفتند هر کجا خواستی برو



## تندیسی از غرور و افتخار

|                                                                                |                                                                                         |                                                                |                                                                    |
|--------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|
| نصب تندیس بی ارتفاع سه و نیم متر از جنس فایبرگلاس در ارتفاعات آب و برق مشهد در | یکی از پرتردترین و دیدنی ترین نقاط شهر مشهد. یادبودی برای زنده نگه داشتن نام و یاد مهدی | عمیدی بود. ساخت این تندیس که پنج ماه زمان برد. از سوی امیرمهدی | وئوق که خود نیز یکی از ورزشکاران رشته کوهنوردی است. انجام شده است. |
|--------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|

## اسیری که ز بندی برهد بهتر از حال امیری که گرفتار آید

توانگرزاده ای را دیدیم بر سرگور پدر نشست و با درویش بچه ای مناظره در پیوسته که: صندوق تربت ما سنگین است و کتابه رنگین و فرش رخام انداخته و خشت پیروزه در او به کار برده. به گور پدرت چه ماند؟ خشتی دو فراهم آورده و مشت و خاک بر آن پاشیده. درویش پسر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگ های گران بر خود بچینیده باشد، پدر من به بهشت رسیده بود. خرکه کمتر نهند بر وی بار ..... بی شک آسوده تر کند رفتار مرد درویش که بار ستم فاقه کشید..... به در مرگ همانا که سبکبار آید و آن که در نعمت و آسایش و آسانی زیست ..... مردنش زین همه شک نیست که دشخور آید به همه حال اسیری که ز بندی برهد..... بهتر از حال امیری که گرفتار آید

گلستان سعدی

## شخم هفته

## در جست وجوی ۲۰ درصد گم شده



فریدون محمدی نویسنده

خلاصه که تمام این ها قابل تحمل است، حتی اگر اختلاس جدیدی هم شداگر در حد همان ۲۰ درصد بیشتر از زکورد قبلی اختلاس باشد قابل تحمل است ولی اگر مثلا ۲۱ درصد بیشتر از قبل باشد دیگر واقعا بی عدالتی است و جفای بزرگی است در حق کارمندان.

## اعتماد به نفس، از نوع چسبیده به سقف!

مریی محترم تیم ملی بعد از بازی کسل کننده و خواب آور مقابل ازبکستان خیلی جدی وبدون اینکه خنده اش بگیرد گفت که یک بازی با برنامه و با کیفیت و تاکنیکی انجام دادیم. رسانه ها به این سخن اعتراضات زیادی داشتند، ولی منصفانه بخواهیم قضاوت کنیم حق با ایشان است. اگر منظور از کیفیت، زمین چمن کشور ازبکستان و ورزشگاه این کشور بود که واقعا کیفیتش خوب بود. منظور از برنامه هم این بود که در تمام ۹۰ دقیقه طرف داران تیم ملی حرص بخورند که واقعا این چه طرز بازی کردن است. تاکنیک تیم هم خیلی خلاقانه بود. می پرسید

## از این متناسب تر؟ مگه داریم؟

اعلام شده است که قرار است حقوق بازیکنان بدون هیچ تاکنیکی بازیکنان ما بازی کنند تا باز یکنان تیم مقابل نفهمند تاکنیک ما چیست و گیج شوند. با این تفاسیل امیدواریم بازی بعد تیم ملی، بدون کیفیت، بدون برنامه و غیر تاکنیکی باشد، شاید این طوری بتوانیم به جام جهانی صعود کنیم.

آن را مدیریت کرد مطمئنا کفاف معیشت حداقل سه روز از سی روز هر ما را خواهد داد.

## رومانی از علت اینترنت یواش!

وزیر ارتباطات گفته است که انتشار حجم بالای محتوا، عامل کندی اینترنت کشور است. برای اینکه محتواها کمتر شود تا سرعت بیشتر شود دو تا پیشنهاد داریم: اول اینکه آن را گران کنند تا کمتر محتوا آپلود و دانلود شود، شاید با خودتان بگویید ای بابا! همین چند وقت پیش سه برابر گران شد، ولی سرعتش بیشتر نشد. در جواب باید بگوییم شاید اگر چهار برابر گران شود، سرعتش بهتر شود. پیشنهاد دوم هم این است که اینترنت زوج و فرد شود و افراد بر اساس آخرین رقم کد ملی خود یا روزهای فرد اینترنت داشته باشند یا روزهای زوج! تازه همان روز را هم فقط اجازه داشته باشند نهایتا یک فیلم ۱۰ مگابایتی، یک عکس یک مگابایتی و یک پیام پنجاه کلمه ای آپلود یا دانلود کنند و بدین گونه سرعت اینترنت از یک حلزون قطع نخاع شده آفریقایی، به سرعت یوز پلنگ آسیایی می رسد.

SHAHRRARANEWS.IR

اشنبه  
۲۳ شهریور ۱۴۰۲  
۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴  
شماره ۳۳۲۲

Mashhadchehreh.ir  
Photoshahr.ir



مساحت شهر را نیموز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاقنامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سعید میثم موسوی مهر
- سردبیر: مسعود بیگر
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸
- نمایر: ۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

دمای هوای مشهد

۵۰٪

۱۱° ↓

۲۴°

صبح ۱۶

ظهر ۲۳

عصر ۲۲

شب ۱۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۱۷:۳۹

نیمه شب شرعی ۱۳:۳۵:۲۲

غروب آفتاب ۱۶:۵۷:۵۷

اذان صبح فردا ۱۱:۱۴:۰۴

اذان مغرب ۱۷:۱۶:۲۱

طلوع آفتاب فردا ۱۳:۳۸:۰۵

مدارات اجباری برای بلا

مدارات اجباری برای بلا

مدارات اجباری برای بلا

مدارات اجباری برای بلا

کارتون شهر

رضا جنگی ۴۷ هزار مدرسه در کشور خدمتگزار و سرایدار ندارند

عکس روز

زخمی که همیشه باز است

کم نیستند کسانی در این شهر آن چنان فقر نفسشان را بریده است که حاضرند تکه ای از بدنشان را به حراج بگذارند. در و دیوار خیابان های عارف، محتشمی، پرستار پر است از آگهی فروش کلیه و کبد. از بیست و چهار ساله گرفته تا چهل و پنج ساله با همه مدل گروه های خونی. هر کدام زخم جراحی و نقص عضو را به جان می خرنند تا زخم دیگری را در زندگی مرهم بگذارند، اما مگر تمامی دارد این زخم ها؟

برای مشاهده گزارش تصویری که را اسکن کنید.

عکس: نرجس شاکری / شهر آرا